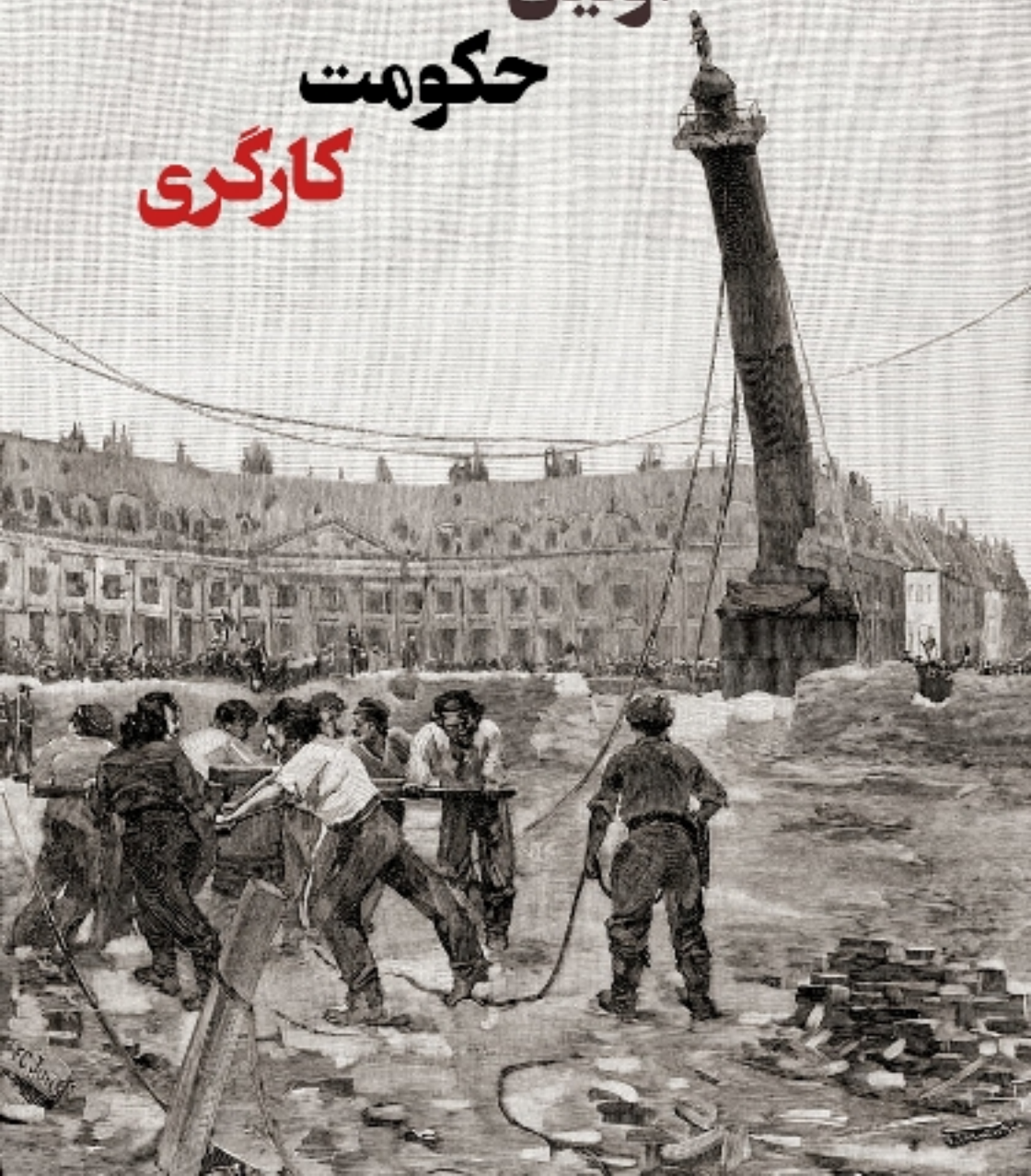


اولین حکومت کارگری



اولین حکومت کارگری

چاپ اول: نشر بین الملل، تهران، خیابان فروردین، ۱۳۵۷

چاپ دوم: باز نشر توسط مجله‌ی کارخانه، ۱۴۰۱

طرح روی جلد، به‌زیر کشیدن مجسمه‌ی یادبود پیروزی ناپلئون در میدان واندوم پاریس، اثر نقاش آمریکایی فرانسیس کوتس جونز
(۱۹۳۳-۱۸۵۷).

مقدمه‌ای برای بازنشر:

کتاب کوچک اولین حکومت کارگری، تلاشی است در پاسخ به این پرسش اساسی که چرا و چگونه نخستین دولت کارگری در پاریس فرانسه‌ی اواخر قرن نوزدهم میلادی به پیروزی رسید و توانست دولت سرمایه‌داری مستقر در فرانسه را، علی‌رغم قدرتی که داشت، در هم بشکند و تغییرات و تحولاتی بزرگ و چشم‌گیری در همان محدوده‌ی شهر پاریس ایجاد کند. هم‌چنین سعی بر آن دارد تا نشان دهد این امکان یعنی توانایی ایجاد یک دولت و جامعه‌ی جدید که در آن استثمار انسان از انسان، فقر، بی‌کاری و گرفتاری کارگران و زحمت‌کشان از آن رخت بریسته باشد، وجود دارد.

طبقه‌ی کارگر و زحمت‌کشان پاریس، علی‌رغم آن‌که دولت فرانسه‌ی مستقر در خارج از شهر پاریس از سر همکاری با دولت پروس (دولت آلمان در آن زمان) درآمد بود و با همکاری دو دولت سرمایه‌دارانه برای نابودی دولت کارگری کمون مواجه بود، پا به تاریخ گذاشت. موانع بزرگ دیگری نیز در داخل پاریس از سوی بقایای طبقه‌ی سرمایه‌دار و دولت‌شان که در حال سازماندهی خود در ورسای در نزدیکی پاریس بودند، وجود داشت. با این وجود اولین دولت کارگری در جهان طلیعه کرد و کارگران توانستند نظام نوینی را ایجاد کنند که سعادت و بهروزی را برای طبقه‌ی کارگر و زحمت‌کشان به ارمغان آورد؛ و هر چند عمرش کوتاه بود لیکن تجاربتش توشه‌ی عظیمی شد برای انقلاب کبیر اکتبر.

دولت کارگری کمون علی‌رغم تمامی رشادت و شجاعت و نوآوری‌های بزرگ، از یک سو با ضعف‌هایی مواجه بود، از جمله عدم خروج دولت کارگری از محدوده شهر پاریس، عدم برخورد با سرمایه‌داران مستقر در ورسای در نزدیکی پاریس، و با تمامی تلاش‌ها عدم اتحاد با دهقانان؛ و از سوی دیگر با اتحاد سرمایه‌داران پروس و فرانسه و تبلیغات گسترده‌ی آن‌ها در میان مردم فرانسه و تهاجم وحشیانه بقایای دولت سرمایه‌داری. کمون پیروز، فصل نوینی را در تاریخ جهان گشود و به طبقه‌ی کارگر جهانی نشان داد که می‌توان با اتحاد و همبستگی طبقاتی و سازماندهی (متشکل شدن در یک تشکیلات سیاسی به نام حزب انقلابی طبقه‌ی کارگر که در آن زمان وجود نداشت و این نیز از ضعف‌های کمون بود) ماشین دولت سرمایه‌داری را در هم کوبیده و نظام نوینی را جایگزین آن نماید و این تصویر افسانه‌ای را که دولت سرمایه‌داری شکست‌ناپذیر، جاودانی و از همه تمسخرآمیزتر ازلی و ابدی است را درهم بشکند. اما تجربه‌ی کمون به‌راستی مسئله‌ی مهم، سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده‌ی دیگری را هم پیش روی طبقه‌ی کارگر و زحمت‌کشان نه‌تنها فرانسه بل که تمامی جهان

گذاشت و آن هم این که بدون وجود یک تشکیلات سیاسی طبقه‌ی کارگر، نه‌تنها نمی‌توان تمامی ابعاد ماشین دولت سرمایه‌داری را نابود کرد، بل که نمی‌توان ادامه و بقا دولت کارگری را تضمین کرد و در مقابل تهاجمات همه‌جانبه‌ی سرمایه‌داری داخلی و امپریالیسم جهانی ایستاد.

آبان ۱۴۰۱

دو رهبر دانشمند طبقه‌ی کارگر جهان^۱ در مورد اولین حکومت کارگری چنین نظر داده‌اند:

«اگر دولت کارگری شکست بخورد، مبارزه فقط به عقب می‌افتد. اصول دولت کاگری برای همیشه است، به همین جهت دوباره و دوباره تکرار خواهد شد، تا جایی که طبقه‌ی کارگر، سرمایه‌داری را به‌طور کلی نابود کرده و آزاد شود. اگر دولت کارگری پاریس در روبه‌روی سرمایه‌داران به صورت متحد، دست به اسلحه نمی‌برد، آیا ممکن بود پیروز شود؟ و آیا ما حق نداریم این دولت را سرزنش کنیم به این دلیل که از نیروی مسلح آن‌طور که باید استفاده نکرده است؟»

۱- در بهمن‌ماه ۱۲۲۶ [هجری شمسی] در یکی از کشورهای اروپا، دو تن از آموزگاران کبیر طبقه‌ی کارگر، در اولین بیانیه‌ی خود، درباره‌ی حکومت کارگری چنین گفتند: «طبقه‌ی کارگر فقط به‌وسیله‌ی سرنگون کردن سرمایه‌داران با نیروی اسلحه می‌تواند قدرت را به‌دست بگیرد.»

۲- کارگران فرانسه در خرداد ۱۲۲۶ با سرمایه‌داران حاکم بر فرانسه وارد یک نبرد انقلابی مسلحانه گشتند. شعار کارگران این بود: «مرگ بر سرمایه‌داری! برقرار باد حکومت کارگری!»

۳- هم‌زمان با رشد علم رهایی کارگران (یعنی راه و رسم مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر علیه طبقه‌ی سرمایه‌دار) جنبش کارگری در فرانسه نیز گسترش پیدا کرد. موج‌های انقلاب یکی بعد از دیگری، بر پیکر گنبدیده‌ی سرمایه‌داری فرود می‌آمد. در سال ۱۲۴۸ کارگران در شهر کریزو دوباره دست به اعتصاب می‌زنند و حکومت بازپچه‌ی دست سرمایه‌داران را به نبرد بی‌رحمانه می‌کشاند.

^۱ منظور کارل مارکس و فردریش انگلس.

۴- در این شرایط که مبارزه‌ی کارگران هر روز دامنه‌ی بیش‌تری پیدا می‌کرد، دولت فرانسه علیه کشور همسایه، پروس، اعلام جنگ می‌کند. این عمل برای منحرف‌کردن کارگران و مردم از مبارزه صورت می‌گیرد. ولی ارتش دولتی شکست می‌خورد. امپراتور فرانسه اسیر می‌شود، ارتش پروس تا اطراف پاریس پیش‌روی می‌کند.

۵- کارگران با این حال از پا ننشستند و به مبارزه‌ی مسلحانه تا آخرین نفس ادامه دادند و بالاخره در شهریور ۱۲۴۸ ناپلئون و امپراطوری سرنگون گردیدند.

۶- اما این پیروزی طول نکشید، زیرا در این زمان طبقه‌ی کارگر تشکیلات مخصوص به خود را نداشت. همین ضعف و کمبود به سرمایه‌داران امکان داد تا با تشکیل یک دولت به اصطلاح دفاع ملی، به سرپرستی یک خائن خودفروش به نام ژنرال تروشو، توطئه‌ای چیده و مجدداً دولت به دست دشمن کارگران آدولف تی‌یر بیفتد. او برای نجات دولت خود که هیچ پایگاهی در بین زحمت‌کشان نداشت، از در دوستی با کشورهای دیگر درآمد تا در موقع لازم از حمایت آن‌ها برخوردار باشد. در عین حال از نظر داخلی سرکوب و وحشیانه‌ی مبارزه کارگران را در پیش گرفت.

۷- همان‌طور که دیدیم دولت کهنه‌پرست فرانسه که می‌خواست اوضاع گذشته را به هر ترتیب برگرداند، از دولت‌های خارجی برای سرکوب طبقه‌ی کارگر کمک خواست. با این ترتیب وظیفه‌ی کارگران مبارز خیلی سنگین‌تر شده بود. آن‌ها مجبور بودند هم با دشمن خارجی و هم با دشمن طبقاتی داخلی بجنگند. به همین جهت لازم بود تا ارتش جنگنده و در عین حال منظمی بسازند. به‌زودی به دنبال این جریان‌ات، کمیته‌ی مرکزی گارد ملی تشکیل شد و کارگران جان‌باز برای جنگ با دشمنان خویش شروع به ثبت‌نام در این ارتش کردند.

۸- طبقه‌ی کارگر در حین مبارزه یاد گرفت که برای آزاد کردن طبقه‌ی خویش، باید تمام کشور را آزاد کند. گارد ملی (مركب از کارگران مبارز و فداکار) وارد میدان جنگ شد. در اولین حمله‌ی همگانی علیه ارتش پروس در منطقه‌ی مونت رنو نیروی دشمن را تارومار و کاملاً نابود کرد.

۹- شکست افتضاح‌آمیز ارتش خارجی پروس دولت سرمایه‌دار داخلی را به وحشت انداخت. طبقه‌ی صاحب سرمایه به چشم خود می‌دید که کارگران به صورت متحد و یک‌پارچه، چه نیروی عظیمی را تشکیل می‌دهند. روی همین اصل بود که سرمایه‌داری دست به سرکوب وحشیانه‌ی کارگران مبارز زد، با این امید پوچ که آن‌ها را نابود نماید. ولی ارتش گارد ملی در ۹ آبان ۱۲۴۸ به محل سکونت این دولت خائن و جنایت‌کار حمله بُرد و عده‌ای از اعضای آن را دستگیر نمود.

۱۰- در اول آبان ۱۲۴۹ تمام گردان‌های گارد ملی کارگران از تمام نقاط جمع می‌شوند و به گردان‌های ارتش سرمایه‌داری یورش می‌برند. ارتش دست‌نشانده که از بهره‌کشی وحشیانه‌ی سرمایه از کارگران تشکیل و ایجاد شده بود، با شدت بیش‌تری کارگران را سرکوب می‌کند. با وجود این طبقه‌ی کارگر با این آگاهی که فقط و فقط به زور اسلحه و با تکیه به ارتش منظم خود می‌تواند، خود را رها نماید، تماماً دست به اسلحه می‌برند تا خود را برای پیروزی نهایی آماده نمایند.

۱۱- روزه‌روز تعداد بیش‌تری از کارگران وارد ارتش گارد ملی می‌شدند و این مسئله خطر بزرگی برای نیروهای دشمن به وجود آورده بود. روی این حساب بود که دولت ضد کارگری تصمیم می‌گیرد که به پایگاه ارتش کارگری حمله نماید و اسلحه‌ی آن‌ها را تصرف نماید.

۱۲- در روز ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ نیروهای ارتش مزدور و ضدملی برای تصرف توپخانه‌ی گارد ملی کارگران که بر روی تپه مون‌مارتر در حال پاسداری بود، حمله می‌برند. در این حمله ضدانقلابی ارتش دولتی، اولین گلوله از طرف نیروهای دشمن شلیک می‌شود. جنگ طبقاتی آغاز می‌شود.

۱۳- اما این مانور دولت نقش‌برآب شد. زحمت‌کشان پاریس خشمگین از این عمل بی‌شرمانه‌ی رژیم حاکمه، بلافاصله دست به اسلحه می‌برد، جنگ آغاز می‌شود. ارتش کارگران نیروهای دشمن را که به منطقه‌ی آزاد شده‌ی آن‌ها تجاوز کرده بود، محاصره می‌کند. اینک کارگران مسلح حمله را آغاز می‌کنند.

۱۴- البته باید متوجه بود که در میان سربازان دشمن کسانی بودند که از فرماندهان خود ناراضی بودند، زیرا آن‌ها نمی‌خواستند به سوی هم‌وطنان زحمت‌کش خود شلیک کنند. ولی سرمایه‌داران از ارتش فقط به عنوان چماقی برای سرکوب مردم استفاده می‌کردند. دو افسر ضدانقلابی که بارها فرمان تیراندازی به سوی کارگران را صادر کرده بودند، از طرف سربازان زبردست که از اجرای دستور سرپیچی کرده بودند، زندانی و بعد اعدام می‌شوند.

۱۵- با وجود این شکست و افتضاح، ارتش و دولت دست‌نشانده به سرکردگی تی‌یر باز هم دست از ادامه‌ی جنگ برنمی‌دارد. او فرمان جمع و حمله‌ی همگانی را علیه طبقه‌ی کارگر (یعنی قیام‌کنندگان) صادر می‌کند.

۱۶- اما طبقه‌ی کارگر با خشم و شجاعت انقلابی خود جوابی دندان‌شکن به دشمن خون‌خوار می‌دهد. طبقه‌ی کارگر سرشار از روحیه و جرأت و فداکاری، برای نابود کردن کامل سرمایه‌داری و دولت مزدورزش وارد میدان پیکار می‌شود.

۱۷- در همان روزها بود که کمیته‌ی مرکزی گارد ملی کارگران یک جلسه‌ی فوق‌العاده تشکیل می‌دهد. در این جلسه کارگران تصمیم می‌گیرند که وزارت جنگ، ساختمان مجلس و دیگر ساختمان‌های مهم دولت را اشغال کنند. جنگ مسلحانه‌ی زحمت‌کشان با سرعت باورنکردنی گسترده می‌شود و به پیروزی‌های پی‌درپی نائل می‌گردد.

۱۸- حمله‌های جانانه و پیروزی‌های پی‌درپی ارتش کارگری، رییس دولت و دارودسته‌اش را در خطر مرگ قرار می‌دهد. به‌همین جهت در ساعت ۳ بعدازظهر ۲۷ اسفند اعضای دولت مانند سگ‌های کتک خورده، با عجله و پریشانی، از ترس جان خود، به‌طرف کاخ ورسای واقع در ۱۸ کیلومتری پاریس فرار می‌کنند.

۱۹- عصر همان روز تمام پاریس آزاد می‌شود. بر روی ساختمان مجلس، پیروزمندانه پرچم سرخ طبقه‌ی کارگر برافراشته می‌شود. طبقه‌ی کارگر با تکیه بر ارتش مسلح خویش، دولت و ارتش دست‌نشانده‌ی سرمایه‌داران را درهم می‌شکند و اولین حکومت کارگری را در جهان پایه‌گذاری می‌کند.

۲۰- در ششم فروردین، دولت کارگری جدید، یک انتخابات آزاد اجرا می‌کند که در هیچ‌کجا و هیچ‌زمانی لنگه نداشت. در این روز تمام زحمت‌کشان پاریس برای انتخاب نماینده‌های خود با علاقه در انتخابات شرکت می‌کنند. همه‌ی شغل‌ها و پست‌های مهم دولت را کارگران یا نمایندگان آن‌ها اشغال می‌کنند.

۲۱- در هشتم فروردین یک اجتماع عمومی در میدان شهرداری پاریس تشکیل می‌شود و در این روز به‌یادماندن، نخستین دولت کارگری اعلام موجودیت می‌کند. تمام شهر در جشن و سرور غرق می‌شود. صدها هزار مردم زحمت‌کش و انقلابی در حین اعلام اولین حکومت

کارگری یکسره فریاد می‌زند: زنده‌باد حکومت کارگری! به طوری که زمین و زمان به لرزه درآمده بود. برای اولین بار در تاریخ بشری، حکومت کارگران افتتاح گردید.

۲۲- پیروزی کارگران انقلابی پاریس، از پشتیبانی و حمایت تمام زحمت‌کشان در سراسر کشور برخوردار می‌شود و به‌زودی موج نیرومند انقلاب سرتاسر مملکت را می‌پوشاند. در سوم فروردین، کارگران یکی از مناطق فرانسه از سایر برادران انقلابی پیروی کرده و دست به قیام و مبارزه می‌زنند و دولت کارگری خویش را تأسیس می‌کنند.

۲۳- کارگران یکی از شهرهای بزرگ صنعتی فرانسه که مبارزات افتخارآمیز زحمت‌کشان آن از سابقه طولانی برخوردار بود، در دهم اردیبهشت ۱۲۴۹ مانند برادران دیگر خود به قیام بر می‌خیزند و تمام سرمایه‌داران را با نیروی همبستگی و مبارزه خود نابود می‌کنند و دولت کارگری خویش را پایه‌گذاری می‌نمایند.

۲۴- کارگران بعد از ایجاد حکومت کارگری مشاهده کردند که با دستگاه و افراد دولت سابق که از ریشه و پایه فاسد شده‌اند، نمی‌تواند قدمی در جهت تأمین منافع مردم زحمت‌کش بردارند. بنابراین بلافاصله تمام سازمان‌های دولت قبلی را منحل کردند و سازمان‌های جدید به سرپرستی کارگران ساده و زحمتکش ایجاد کردند که در خدمت تمام کارگران و زحمت‌کشان قرار داشت.

۲۵- بدون شک نیروی ارتش و پلیس نیز نباید به صورت سابق وجود داشته باشد، زیرا در زمان حکومت سرمایه‌داران به ارتشیان تعلیم می‌دادند که چگونه مردم وطن خود را سرکوب کنند. سازمان ارتش و پلیس نیز منحل و ارتش کارگری جای آن را می‌گیرد.

۲۶- ماشین دولتی سرمایه‌داران، در اثر مجاهدات و مبارزات کارگران غیور، درهم شکسته شد. در انتخابات عمومی، کارگران بیش‌ترین رأی را برای اداره‌ی امور دولت جدید به‌دست آوردند.

حالا این کارگران بودند که قانون‌گذاری می‌کردند و آن را اجرا می‌نمودند. در این صورت می‌توان فهمید که چه بر سر سرمایه‌داران آمد.

۲۷- اولین اقدام دولت کارگری که موافق با منافع طبقه‌ی کارگر و برای بهبود شرایط زندگی این طبقه صورت گرفت، عبارت بود از :

جلوگیری از اخراج کارگران، جلوگیری از کم‌کردن دست‌مزد کارگران؛ و مهم‌تر از این‌ها اداره‌ی کارخانه‌هایی را که صاحبان‌شان فرار کرده یا تولید را متوقف کرده بودند، به کارگران همان کارخانه‌ها سپرد.

۲۸- دولت کارگری، همه‌ی اشیاء و وسایلی را که زحمت‌کشان از زورِ نداری و فقر، در گرو گذاشته بودند، به صاحبانشان پس داد و مقداری از قرض‌ها را لغو نمود و زمان پرداخت مقداری از قرض‌ها را طولانی‌تر کرد.

۲۹- اقدام بعدی دولت جدید دولت کارگری تسویه‌ی حساب با کشیش‌ها بود که سال‌ها خرافات و فکرهای پوچ را در میان مردم رواج می‌دادند و در واقع شریک و هم‌کار غارت سرمایه‌داران بودند. به زودی کتاب‌های درسی هم از نو تهیه شد.

۳۰- در یکی از همین روزها، در منطقه‌ی ۱۱ شهرداری پاریس یکی از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم سابق مورد حمله کارگران قرار گرفت و کلیه‌ی وسایل شکنجه را که برای قصابی و سرکوبی انقلابیون استفاده می‌کردند به آتش کشیدند.

۳۱- در این زمان که کارگران مشغول اقدامات انقلابی خود بودند، سرمایه‌دارانی که فرار کرده بودند دست به توطئه زده و نیروهای ارتشی مزدور را به محاصره پاریس کشاندند. کارگران با

فرستادن بالن‌هایی به سایر نقاط فرانسه، از بقیه‌ی زحمت‌کشان خواستند تا در این جنگ، با آنها همراه شوند.

۳۲- دولت کارگری برای حفظ پیروزی‌های به‌دست آمده، دست به ایجاد یک دادگاه نظامی زد که بوسیله آن تمام روزنامه‌هایی که از منافع سرمایه‌داران دفاع می‌کردند، توقیف کرده و فروش آنها را ممنوع نمود. به این طریق با اتکا به نیروی زور و قهر کارگران جامعه را از وجود تمام وسایلی که در خدمت سرمایه‌داری بود پاک نمود.

۳۳- دولت کارگری پاریس به عنوان اولین دولت کارگری جهان پرچم حمایت از تمام کارگران جهان را برافراشته می‌کند و به این وسیله اعلام می‌دارد که با تمام کارگران و زحمت‌کشان جهان متحد است و از این فکر پیروی می‌کند که کارگران بدون آزاد کردن تمام زحمت‌کشان جهان، نمی‌توانند خود را آزاد کنند.

۳۴- در این ایام که شور انقلابی همه جا را گرفته بود، دولت کارگری مجسمه‌ی یادبود پیروزی ناپلئون را در میدان واندوم پاریس به‌زیر کشیدند و نام میدان را بین‌الملل گذاشتند.

۳۵- پرچم سرخ انقلاب بر فراز شهر پاریس برافراشته می‌شود. قیام کارگران پاریس به‌شدت با دنیای کهنه‌ی سرمایه‌داری که در فساد، ظلم، بهره‌کشی و مصیبت بود، می‌جنگید. ولی سرمایه‌داران هم به جنگ ضدانقلابی خود ادامه می‌دادند. نیروهای ضدانقلاب تی‌یر با همکاری ارتش پروس به پاریس حمله‌ور می‌شوند.

۳۶- با وجود حمله وحشیانه، حکومت کارگران با پیام: «زحمت‌کشان و کارگران! با تمام قوا از حکومت انقلابی خود دفاع کنید!» توده‌های مردم را به مبارزه دعوت می‌کند.

۳۷- اکثریت طبقه‌ی کارگر با فداکاری و روحیه‌ای کاملاً انقلابی و با آگاهی در این نبرد بزرگ شرکت می‌کنند. آن‌ها شب و روز به کندن و ساختن سنگرها و قلعه‌ها و محکم کردن دژها مشغول می‌گردند. توپخانه و مهمات جنگی را تقسیم می‌کنند، با قلبی پر از کینه و تنفر به دشمن طبقاتی، همگی و یک‌پارچه تا آخرین قطره‌ی خون خود و تا پای جان آماده جان‌بازی می‌گردند.

۳۸- یک کارگر پیر رزمنده که سه فرزندش در ارتش کارگران ثبت‌نام کرده‌اند تا به مقابله با دشمن بپردازند، مشغول نوشتن نامه‌ای به فرماندهی ارتش کارگری است. او در این نامه خواهش می‌کند که اجازه بدهند تا آخرین پسرش که ۱۰ سال دارد نیز در جنگ رهایی‌بخش شرکت کند.

۳۹- به‌زودی خبر محاصره چند صد هزار نفری پاریس و دولت کارگری به‌وسیله‌ی نیروهای ارتش ورسای و ارتش پروس، به گوش کارگران مبارز می‌رسد. وضع وخیمی بود، ولی ارتش نیرومند و متحد کارگران از دشمن نمی‌ترسد و شجاعت خاص کارگری خویش را نمایان می‌کند.

۴۰- ده هزار نفر از سربازان دست‌نشانده به فرماندهی دو مزدور به نام‌های کوریوای و پونو به پاریس حمله می‌کنند. اما دو هزار نفر از افراد ارتش کارگری با شجاعت تمام، بعد از چند ساعت مبارزه، آن‌ها را تارومار و به‌کلی نابود می‌کنند.

۴۱- در یکی از نواحی پاریس، جوان کارگری که مسئول نگهبانی از قلعه‌ای جنگی بود، تصمیم می‌گیرد که اگر دشمن به او حمله کند، تا پای جان مقابله کرده و چنانچه دشمن به قلعه دست یابد ذخایر اسلحه را منفجر کند. این قلعه‌ی جنگی ده روز تمام در مقابل دشمن ایستادگی کرد.

۴۲- سرنشینان یک کشتی جنگی ارتش کارگری بعد از مدت‌ها مقاومت قهرمانانه درحالی‌که همراه کشتی خود غرق می‌شدند و مرگ را در کنار خود می‌دیدند، فریاد می‌زدند: «**زنده‌باد دولت کارگری!**»

۴۳- زنان زحمت‌کش پاریس تمام وظایف میدان جنگ را انجام می‌دهند. بیش‌تر از ده هزار نفر از کارگران زن، برای شرکت در جنگ اسلحه به‌دست می‌گیرند. گردان زنان داوطلب در جنگ برای نجات حکومت کارگری نقش بزرگی به‌عهده می‌گیرد.

۴۴- دو برادر به نام‌های ارنست ۱۴ ساله و لوک دوآن ۱۷ ساله، در یک نبرد تن‌به‌تن شرکت می‌کنند. آن‌ها در حین دفاع از پرچمی برافراشته در یک سنگر خیابانی به‌دست نیروهای ورسای شهید می‌گردند، ولی در این حال پدر آن‌ها تفنگ را برمی‌دارد و با ایمان به حکومت نجات‌بخش کارگری به مبارزه ادامه می‌دهد.

۴۵- در سی‌ام اردیبهشت، ارتش ضدکارگری تی‌یر یک حمله‌ی عمومی را علیه حکومت جدید شروع می‌کند. در ۳۱ اردیبهشت پایگاه‌ها و قرارگاه‌های کارگران مورد حمله‌ی ناگهانی واقع می‌شود. ارتش پروس نیز در این حمله‌ی گسترده همراه ارتش تی‌یر بود. در دوم خرداد، مهم‌ترین پایگاه کارگران واقع در تپه‌ی مون‌مارتر سقوط می‌کند، ولی تصرف هر قدم آن به بهای سنگین برای دشمن تمام می‌شود.

۴۶- در این هفته‌ی خونین، شهامت‌ها و فداکاری‌های بی‌نظیر کارگران نمایان می‌شود. مثلاً در ساحل چپ رودخانه‌ی یک کارگر با شش قبضه تفنگ، یک هنگ ارتش مزدور را ۶ ساعت متوقف می‌کند.

۴۷- ۷ خرداد: دسته‌ی جنایت‌کاران حکومت سابق وارد شهر می‌شوند. شهر به‌دست دشمن می‌افتد. در یکی از سنگرها کارگر غیوری پرچم برافراشته ارتش دشمنان را پاره کرده و پایین می‌کشد. ایستادگی قهرمانانه با شدت هرچه تمام‌تر ادامه می‌یابد.

۴۸- ۸ خرداد: رزمندگان ارتش کارگری در سنگر قبرستان پرلاشز با خشم و کینه‌ی بی‌پایان نسبت به سرمایه‌داران صحنه‌های به یاد ماندنی می‌آفرینند. آن‌ها از هر وجب از سرزمین حکومت خویش تا آخرین قطره‌ی خون دفاع می‌کنند. در این محل ۲۰۰ نفر کارگر فداکار به مقابله با بیش از ۵ هزار نفر می‌پردازند. با وجود برتری فاحش نیروهای دشمن، هیچ‌یک از کارگران تسلیم نشده و اسلحه را به زمین نمی‌گذارند.

۴۹- بالاخره قوای دشمن کارگران را به محل بن‌بستی از دیوار قبرستان می‌کشاند. آن‌ها تا آخرین نفس درحالی‌که فریاد رسای «زنده‌باد حکومت کارگری!» در فضای قبرستان پیچیده بود، ایستادگی می‌نمایند. بعدها زحمت‌کشان پاریس این دیوار راه، "دیوار متحدین" نامیدند. این دیوار یادآور دفاع از اصول، شرف و حکومت کارگری، تا پای جان، می‌باشد.

۵۰- دفاع دلیرانه‌ی کارگران در این جنگ نابرابر، همه‌ی زحمت‌کشان را به مقاومت می‌کشاند. حالا از هر کوی و برزن، از هر بام و پنجره‌ای، دفاع برای حفظ حکومت کارگری آغاز می‌شود. آن‌ها مرگ را بر تسلیم ترجیح می‌دادند.

۵۱- رفتار کارگران اسیر در بی‌دادگاه‌های سرمایه‌داران و یا در پای چوبه‌ی دار، غرورآفرین و قهرمانانه بود. آن‌ها مرگ را کوچک می‌شمردند، زیرا به این اصل مسلم ایمان داشتند که: «تنها راه رهایی بشریت از چنگال فقر، فساد، بی‌عدالتی و ... بهره‌کشی وحشیانه‌ی انسان از انسان، استقرار حکومتی است که فقط و فقط به دست توانای کارگران ستم‌دیده ایجاد و اداره شود.»

۵۲- یک کارگر زن با اراده‌ای به محکمی و پایداری هم‌چون کوه، در بی‌دادگاه چنین گفت: «انقلاب کارگری برای من مقدس‌ترین فکر است. انقلاب کارگری به من نیرو می‌دهد، اگر مرا زنده بگذارید هیچ وقت دست از انتقام نخواهم کشید.»

۵۳- دو رهبر بزرگ طبقه‌ی کارگر، مبارزه‌ی کارگران پاریس را رهبری می‌نمودند. آن‌ها به‌درستی یادآوری می‌کردند که سرمایه‌دار دشمن آشتی‌ناپذیر کارگر است. آن‌ها جنگ عادلانه‌ی کارگران علیه سرمایه‌داران را بسیار مهم تشخیص داده و برای آن اهمیت جهانی قایل بودند.

۵۴- یکی از این دو رهبر کبیر طبقه‌ی کارگر^۲، در کتاب خود به‌نام "جنگ طبقات در فرانسه"^۳، عظمت و بزرگی حکومت کارگران را نشان داد. او در این کتاب قیام کارگران را علیه سرمایه‌داران و دولت حاکم بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که: «کارگران نمی‌توانند با دستگاه‌ها و ادارات سابق دولتی کشور را اداره کنند، بل که او باید این ماشین پوسیده‌ی دولتی را به‌کلی درهم بشکند و حکومت خود را به‌وجود آورد. البته با تکیه به این اصل که: آزادی برای کلیه‌ی زحمت‌کشان و دیکتاتوری برای دشمنان زحمت‌کشان.»

۵۵- پس از شکست خونین اردیبهشت‌ماه، یکی از شاعران که عضو دولت کارگری بود، بنام پوتیر، سرود بین‌الملل کارگران را می‌سراید و دیگری آهنگی بر روی این سرود می‌سازد. این سرود، احساس کارگران تمام جهان را منعکس می‌کند.

^۲ منظور کارل مارکس است.

^۳ منظور کتابی است که با عنوان «جنگ داخلی در فرانسه» است.

۵۶- اگر چه عمر اولین دولت کارگری فقط ۷۲ روز بود، ولی اعمال قهرمانانه و شجاعانه‌ی رزمنده‌ی کارگرسر مشقی است برای کارگران سراسر جهان، برای ایجاد و حفظ دولت کارگری.

مؤخره^۴:

حال، کوتاه و مختصر، به وضعیت پیش از کمون، اقدامات و دستاوردهای کمون و سپس به علل شکست آن می‌پردازیم:

وضعیت تاریخی پیش از دولت کارگری کمون:

۱. جنگ بی‌فرجام با پروس (آلمان) و شکست فرانسه.
۲. فقر و گرسنگی شدید مردم در دوره‌ی محاصره‌ی پاریس از سوی دولت پروس (آلمان).
۳. بی‌کاری کارگران.
۴. فقیرتر شدن خرده‌بورژوازی.
۵. خشم کارگران و زحمت‌کشان از طبقات مرفه و دولت سرمایه‌داری حاکم که نشان دادند در مقابل ارتش مهاجم پروس نه می‌خواهند و نه می‌توانند از کشور دفاع کنند.
۶. ترکیب ارتجاعی مجلس ملی که مردم را نگران سرنوشت جمهوری کرد، که در نتیجه‌ی این‌ها زحمت‌کشان پاریس را به سوی مبارزه‌ی انقلابی سوق داد.

اقدامات و دستاوردهای دولت کارگری کمون:

۱. جلوگیری از اخراج کارگران کمون.
۲. جلوگیری از کاهش دستمزد کارگران.

^۴ در این چاپ، این بخش به پایان جزوه اضافه شده است.

۳. اداره‌ی کارخانه‌هایی که صاحبان‌شان یا فرار کرده یا تولید را متوقف کرده بودند، به کارگران همان کارخانه سپرده شد.
۴. همه‌ی وسایلی را که زحمت‌کشان از زور نداری و فقر گرو گذاشته بودند، پس داده شد.
۵. مقداری از قرض‌ها را لغو نمودند و زمان پرداخت مقداری از قرض‌ها را طولانی‌تر کردند.
۶. تسویه‌ی حساب با کشیش‌ها که سال‌ها خرافات و افکار پوچ را در میان مردم رواج می‌دادند و در واقع همکار و شریک غارت سرمایه‌داران بودند. در نتیجه، دستگاه دین از دولت جدا شد، دولت کارگری دستگاه دینی را از گرفتن کمک‌های مالی دولت منع کرد. ثبت تولد، مرگ و ازدواج‌ها را نیز به‌عهده گرفت و آموزش شریعت را از برنامه‌های درسی مدارس حذف کرد و بسیاری از کلیساها و صومعه‌ها را به باشگاه‌های مردمی تبدیل کرد.
۷. تهیه و تدوین کتاب‌های درسی به شکلی جدید، و نیز فرمانی دایر بر همگانی و مجانی‌شدن آموزش و پرورش صادر کرد.
۸. بازگشایی در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های دولت سرمایه‌داری و به آتش کشیدن تمام وسایل شکنجه که برای شکنجه‌ی انقلابیون مورد استفاده قرار می‌گرفت.
۹. تشکیل یک دادگاه نظامی برای برای حفظ پیروزی‌های به‌دست آمده که به‌وسیله‌ی آن تمام روزنامه‌هایی را که از منافع سرمایه‌داران دفاع می‌کردند توقیف و فروش آن‌ها را ممنوع نمودند. در نتیجه با اتکا به نیروی قهر و زور، کارگران جامعه را از وجود تمام وسایلی که در خدمت دولت سرمایه‌داری بود، پاک نمودند.
۱۰. به‌عنوان اولین دولت کارگری جهان، پرچم حمایت از تمام کارگران جهان را برافراشته می‌کند و به این وسیله پیوند خود را با تمامی زحمت‌کشان جهان اعلام می‌دارد.
۱۱. دولت کارگری مجسمه‌ی یادبود ناپلئون را در میدان واندوم پاریس به زیر کشیدند و نام میدان را بین‌الملل گذاشتند.
۱۲. دولت کمون کوشید با دهقانان پیوند یابد. اعلامیه‌ای با امضای کارگران پاریس را در صد هزار نسخه و با عنوان درخواست از دهقانان چاپ و با بالن‌هایی بر فراز کشور پخش کرد. در این اعلامیه آمده بود: «دولت کارگری پاریس، زمین را از آن دهقانان و ابزار را از آن کارگران و کار را حق طبیعی همگان می‌داند.»
۱۳. لغو نظام وظیفه و تشکیل گارد ملی به‌جای ارتش و پلیس.

دلایل شکست دولت کارگری کمون پاریس:

۱. در آن زمان طبقه‌ی کارگر، طبقه‌ای کوچک بود و بیش‌ترین بخش جمعیت را دهقانان و خرده‌بورژواها (پیشه‌وران، مغازه‌داران و مانند این‌ها) تشکیل می‌دادند.
۲. فرانسه‌ی آن زمان فاقد حزب انقلابی کارگران بود، و از آن‌جا که فقط چنین حزبی است که می‌تواند کارگران را در مبارزه علیه سرمایه‌داری به پیروزی برساند، در واقع نبود چنین حزبی، که مجهز به تئوری و برنامه‌ای سنجیده باشد، نیز علت اشتباهات متعددی بود که کمیته‌ی مرکزی گارد ملی و شورای کمون مرتکب شدند.
۳. عدم اتحاد طبقه‌ی کارگر و دهقانان به این دلیل که اولاً قدرت کارگران از شهر پاریس فراتر نرفت و ثانیاً ضدانقلاب برای آن‌که دهقانان را علیه کارگران بشوراند به تبلیغات بدخواهانه‌ی همه‌جانبه‌ای در میان دهقانان دست زد که روحانیون عاملان اصلی این تبلیغات ضدانقلابی بودند.

منابع برای مطالعه‌ی بیش‌تر:

در ادامه به خواننده پیشنهاد می‌شود که در پیوند با این جزوه‌ی کوچک، می‌تواند به متونی مانند «جنگ داخلی در فرانسه» اثر کارل مارکس^۵، «کمون پاریس» اثر لئون تروتسکی^۶، نمایشنامه‌ی «روزهای کمون» اثر برتولت برشت^۷، کتاب سترگ و تاریخی «کمون پاریس ۱۸۷۱» اثر ا. ژلوبوفسکایا^۸ و «تاریخ کمون پاریس» اثر لیسا گاره^۹ مراجعه نماید.

^۵ ترجمه‌ی باقر پرهام.

^۶ ترجمه‌ی احمد بیرشک.

^۷ ترجمه‌ی ف. ک. کاووسی.

^۸ ترجمه‌ی محمد قاضی.

^۹ ترجمه‌ی بیژن هیرمندپور.

دو برادر به نام‌های ارنست ۱۴ ساله و لوک دوآن ۱۷ ساله، در یک نبرد تن‌به‌تن شرکت می‌کنند. آن‌ها در حین دفاع از پرچمی برافراشته در یک سنگر خیابانی به دست نیروهای ورسای شهید می‌گردند، ولی در این حال پدر آن‌ها تفنگ را برمی‌دارد و با ایمان به حکومت نجات‌بخش کارگری به مبارزه ادامه می‌دهد.